

## طبقات اجتماعی، مشخصات جمعیتی خانوار، و تحرک اجتماعی در سه روستای فارس

یکی از مشخصات کلی که معمولاً در مورد روستاهای کشورهای در حال رشد بیان می‌شود آنست که این روستاها اغلب جوامع کوچک متجانسی هستند بدون تقسیم‌بندی طبقاتی. فعالیت عمده اقتصادی این جوامع زراعت است؛ آنهم به طریق بسیار ابتدایی که محصول آن به سختی تأمین خوراک خانواده را می‌کنند و مازادی برای عرضه به بازار و کسب درآمد نقدی باقی نمی‌گذارد. از طرفی، امکان نوآوری و اشاعه و پذیرش روشها و فنون جدید کشاورزی در این دهات بسیار محدود است. در این توصیفها ده به صورت نظام اجتماعی تصویری می‌شود که خانواده گسترده بر آن مسلط است؛ تقسیم کار و تنوع و شکستگی سازمان اقتصادی و اجتماعی آن اندک است؛ و همبستگی و یگانگی اجتماعی نسبتاً زیادی دارد.

این طرز فکر را می‌توان در خط مشی برنامه‌هایی مانند اصلاحات ارضی، عمران دهات، برنامه بهداشت، و تنظیم خانواده به خوبی مشاهده کرد. مفهوم «احتیاجات ملموس» ده در برنامه عمران دهات و ملاحظه تقسیم زمین به تساوی بین خانوارهای روستایی در برنامه اصلاحات ارضی بر همین طرز فکر درباره ساختمان اجتماعی روستا استوار شده است.

برطبق این استنباط کلی، غالباً تصور می‌شود که نظام اجتماعی ده ساختمان طبقاتی مشخص ندارد. بدین ترتیب، تصور جامعه روستایی به صورت نظام اجتماعی بی طبقه سبب می‌شود که تمام تفاوت‌های واقعی گروه‌های متفاوت جامعه ده در نظر گرفته نشود. فرضیه اصلی این مقاله اینست که طبقات متمایز اجتماعی در سه ده مورد مطالعه وجود دارد و موقعیت طبقاتی رئیس خانوار در خصوصیات جمعیتی و کیفیت و میزان تحرک اجتماعی خانوار بطور قابل ملاحظه‌ای مؤثر است.

### روش تحقیق

در مطالعات اجتماعی و اقتصادی روستاهای ایران جمع‌آوری اطلاعات قابل اعتماد و صحیح

معمولاً برای محقق خالی از اشکال نیست. چه روستاییان ایران، به علت سوابق تاریخی نفوذ و حاکمیت اقلیتهای شهرنشین بر آنها و اخذ مالیاتهای سنگین و حتی در مواردی مصادره زمینهای ایشان، به شهرها با بدبینی و شک می‌نگرند و روی این اصل جلب همکاری روستاییان برای کسب اطلاعات صحیح در زمینه وضع اقتصادی و اجتماعی آنها غالباً سواجه با مشلات فراوان می‌شود. نگارنده براساس تحقیقاتی که با استفاده از روش مصاحبه و پرسشنامه درباره خانوارهای روستایی کرده است، به این نتیجه رسیده است که روش مصاحبه و پرسشنامه در مورد خانوارهای روستایی ایران اطلاعات و آثاری به دست می‌دهد که غالباً نمی‌توان به صحت آنها اعتماد کرد. از اینرو، در مطالعه فعلی که در سه ده انجام گرفته از روش پرسشنامه و مصاحبه توأم با مشاهده و شرکت در زندگی روستاییان برای دو ماه، استفاده شده است.

سه ده مورد مطالعه عبارتست از ده بید، کوه سبز، و فالونک که، تقریباً در ۷۰ کیلومتری شمال شیراز و به فاصله ۱۰ کیلومتری از یکدیگر قرار دارند. جمعیت ده بید در هنگام این تحقیق ۷۰۰ نفر، کوه سبز ۱۱۴ نفر و فالونک ۲۶۱ نفر بود. در هر یک از سه ده از طریق مصاحبه با مطلعین ده، صورت خانوارهای ساکن با شغل اصلی رئیس خانوار به دست آمد، و سپس، براساس نوع رابطه رئیس خانوار با زمین، در ده دو گروه اجتماعی مشخص مشاهده شد: گروه اول، خانوارهایی که سران آنها مالک زمین اند یا نسق زراعی دارند؛ و گروه دوم، خانوارهایی که سران آنها هیچ رابطه مستقیمی با زمین ندارند. افراد این گروه در اصطلاح محلی «خوش نشین» نامیده می‌شوند. از هر یک از دو گروه اجتماعی سبزبور، ۳ درصد خانوارها به طریق نمونه گیری برای مطالعه انتخاب شد (جدول I).

جدول I. تعداد کل خانوارهای سه ده و تعداد خانوارهای

نمونه به تفکیک گروه اجتماعی

نام ده	تعداد خانوارهای کشاورز		تعداد خانوارهای خوش نشین		تعداد کل خانوارهای ده
	کل	نمونه	کل	نمونه	
ده بید	۵۰	۱۵	۸۲	۲۴	۱۳۲
کوه سبز	۳۳	۱۰	۴۲	۱۲	۷۵
فالونک	۳۵	۱۰	۱۵	۴	۵۰
جمع	۱۱۸	۳۵	۱۳۹	۴۰	۲۵۷

بطوریکه جدول I نشان می‌دهد ، ۷۰ خانوار نمونه ، مرکب از ۳۰ خانوار کشاورز و ۴۰ خانوار خوش‌نشین ، برای مطالعه انتخاب شد . اطلاعات و ارقام این مطالعه از دو طریق به دست آمد : یکی از طریق مصاحبه باسران خانوارهای نمونه و دیگری از طریق مشاهده مستقیم و شرکت در زندگی روزمره ایشان . این مطالعه مدت دو ماه توسط نگارنده و ۸ تن از دانشجویان «عمران ملی» در منطقه مرودشت در سه دهه مزبور انجام گردید .

### متغیر مستقل : موقعیت طبقاتی خانوار

بطور کلی ، روستاییان ایران براساس رابطه زمینداری به طبقات اجتماعی متفاوت تقسیم می‌شوند . هرچه مقدار زمین خانوار وسیعتر باشد در نظام طبقاتی ده منزلت و موقعیت بالاتری دارد . اینگونه طبقه‌بندی اجتماعی از این اصل کلی ناشی می‌شود که در جوامع کشاورزی مالکیت زمین معیار سنجش و مبین موقعیت اقتصادی ، سیاسی ، و اجتماعی افراد است . بطوری که باربر Barber می‌گوید ، «در جوامع روستایی همبستگی کامل بین نظام زمینداری و ساختمان طبقاتی وجود دارد . مالکیت زمین حتی در جوامعی که این نوع مالکیت دیگر اساس موقعیت اجتماعی فرد نیست ، هنوز هم مظهر منزلت طبقاتی است .»<sup>۱</sup>

بطوریکه قبلاً اشاره شد ، در این تحقیق رابطه افراد با زمین به عنوان ملاک اصلی قشر بندی اجتماعی برای شروع تحقیق انتخاب شده و براساس آن خانوارهای نمونه به دو قشر کشاورز و خوش‌نشین تقسیم شده‌اند . قشر کشاورز شامل خانوارهای خرده‌مالک ، مستأجر ، و دهقانانی است که بر اثر اجرای برنامه اصلاحات ارضی صاحب زمین شده‌اند و قشر خوش‌نشین شامل کارگران کشاورز ، دکانداران ، و سایر خانوارهایی که هیچ رابطه‌ای با زمین ندارند .

اما پس از بررسی دقیقتر مشخصات این دو قشر معلوم شد که تفاوت‌های عمده‌ای از لحاظ نوع زمینداری و مقدار مالکیت ، تکنولوژی ، تولید کشاورزی ، و سطح زندگی در میان خانوارهای کشاورزی وجود دارد . در میان خانوارهای قشر خوش‌نشین هم از لحاظ نوع شغل و موقعیت اجتماعی رئیس خانوار و سطح زندگی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای یافت می‌شود و بادر نظر گرفتن اینگونه تفاوتها قشر مزبور را می‌توان به دو طبقه کارگر کشاورز و طبقه بورژوازی ده تقسیم کرد . اما چون تنها خانوار در سه روستای مورد مطالعه در تعداد بورژوازی ده بودند و بنابراین ، جزء خانوارهای نمونه انتخاب نشدند .

در مورد خانوارهای کشاورز ، برای اینکه بتوان آنها را به طبقات مشخصتری تقسیم کرد ، از ملاک دیگری استفاده شد . این ملاک سطح تکنولوژی است و در این مطالعه چنین فرض شده است که خانوارهای کشاورز که به تنهایی یا به اشتراک تلمبه آبیاری دارند ، در سطح بالاتری از لحاظ تکنیک و فنون کشاورزی قرار دارند . بدین ترتیب ، براساس نوع رابطه با زمین و سطح تکنولوژی ،

۱. Barber, Bernard, *Social Stratification*, New York, 1957, p. 44.

خانوارهای نمونه به سه طبقه اجتماعی متمایز مرکب از طبقه «تلمبه کاران»<sup>۱</sup> دهقانان ، و خوش- نشینان تقسیم شدند .

۱. تلمبه کاران : خانوارهای این قشر اجتماعی در مزارع نسبتاً وسیعی کشت و زرع می کنند، بطوریکه مقدار متوسط زمین مورد استفاده این خانوارها ، اعم از زمین ملکی یا اجاره ای ، در حدود  $1/2$  هکتار است . بطور کلی ، این خانوارها بیشتر محصولات راتولیدی می کنند که برای فروش در بازار عرضه می شود و از اینرو قسمت مهمی از اراضی آنها به کشت چغندر قند و صیفیجات اختصاص دارد . متوسط درآمد خالص سالیانه خانوارهای تلمبه کار از محل زراعت و دامداری در حدود  $13,845$  ریال برآورد شده است . مصرف خوراک خانوارهای این طبقه به طور متوسط  $44$  درصد درآمد خالص آنها است و ، لذا ، مبلغ قابل ملاحظه ای برای صرف هزینه های جاری کشاورزی و سرمایه گذاری جدید در اختیار خانوار باقی می ماند . اما تعداد خانوارهای این طبقه نسبتاً برده و پردرآمد روستایی محدود است و تنها  $12$  درصد کل خانوارهای نمونه دهات مورد مطالعه از این طبقه بوده اند .

۲. دهقانان : وسعت مزارع دهقانان کمتر از وسعت زمینهای تلمبه کاران است و بطور متوسط هر خانوار دهقان  $1/4$  هکتار زمین در اختیار دارد .

اکثر سران خانوارهای این طبقه تا قبل از اجرای برنامه اصلاحات ارضی به صورت رعیت یا اجاره دار از اراضی مالکین استفاده می کردند و فقط چند سالی است که مالکیت ارضی به آنها واگذار شده است . امکانات مالی ایشان بسیار محدود و تکنیک و فنون کشاورزی آنها نیز عقب افتاده و غالباً فاقد هرگونه تحرک است . بیشتر تولیدات کشاورزی دهقانان مصرف تأمین خوراک خانوار می شود و تنها مقدار کمی از زمینهای ایشان برای کشت چغندر قند و صیفیجات تخصیص داده شده است . متوسط درآمد خالص سالیانه خانوارهای این طبقه از محل زراعت و دامداری در حدود  $9,870$  ریال است . تقریباً  $81$  درصد تولیدات این طبقه به مصرف خوراک می رسد و ، از اینرو ، مبلغ ناچیزی برای تأمین هزینه های جاری کشاورزی باقی می ماند . به این ترتیب ، نمی توان انتظار داشت که دهقانان بتوانند برای بهبود زراعت خود مبلغی سرمایه گذاری کنند . در این مطالعه  $30$  درصد از خانوارهای نمونه از دهقانان تشکیل شده است .  
۳. خوش نشینان : این طبقه ، که اکثراً کارگران کشاورز و غیر کشاورز هستند ، پایینترین سطح جامعه روستایی را تشکیل می دهند . افراد این طبقه حق بهره برداری از اراضی ده را نداشته و اکثراً به صورت کارگر روزمزد در مزارع ده خود یا دهات اطراف کار می کنند . تعداد

۱. تلمبه کار در دهات مرودشت به کشاورزانی اطلاق می شود که زمین خود را از مالک اجاره نموده و با نصب تلمبه آبیاری به کشت و زرع می پردازند و در مقابل استفاده از زمین هر سال یک دهم محصول را بابت اجاره به مالک می دهند . خانوارهای این طبقه را شاید بتوان از لحاظ وضع طبقاتی نظیر کشاورزان خرده مالک سایر مناطق ایران دانست .

کمی از آنها نیز به کارهای غیرکشاورزی اشتغال دارند . عدم تأمین شغلی و اجتماعی و پایین بودن سطح زندگی از مشخصات بارز خانوارهای این طبقه است . متوسط درآمد سالیانه خانوارهای خوش نشین در حدود ۲۶۰۳۰ ریال است که به سختی معاش خانوار را تأمین می کند ، بطوریکه اکثر خانوارها همواره به دکانداران محلی مقروضند . چون به موجب قانون اصلاحات ارضی تنها به خانوارهایی که نسق زراعی داشتند زمین واگذار شد ، و خانوارهای خوش نشین از برنامه مزبور هیچ بهره ای نگرفتند و در نتیجه هشیاری طبقه ای ، که غالباً توأم با نا کامی و ستیزه جویی است ، در میان بیشتر افراد این طبقه شدت یافته است . اکثر افراد طبقه خوش نشین در حالت سرگردانی و بریدگی اجتماعی زندگی می کنند و کمتر احساس وابستگی و تعلق خاطر به جامعه ده خود می کنند و معمولاً حاضر نیستند در اجرای طرحهای عمرانی ده شرکت کنند . خوش نشینها حق عضویت در شرکت تعاونی ندارند و برای عضویت در انجمن ده نیز اغلب انتخاب نمی شوند . در تحقیق فعلی تقریباً ۳۰ درصد خانوارهای نمونه سه روستای مورد مطالعه از طبقه خوش نشین بودند .

### تأثیر موقعیت طبقاتی در امکانات زندگی خانوار

سه طبقه اجتماعی روستاهای فوق الذکر ، که بر اساس ملاکهای زمینداری و سطح تکنولوژی کشاورزی مشخص شده اند ، گویای واقعیتهای عینی ساختمان اجتماعی این دهات هستند . بررسی ارقام زیر نشان می دهد که تفاوتهای قابل ملاحظه ای از لحاظ امکانات زندگی بین خانوارهای سه طبقه مزبور وجود دارد . همبستگی نسبتاً زیادی بین موقعیت طبقاتی رئیس خانوار با متوسط درآمد ، تعداد باسوادان ، درصد خانوارهایی که رادیو دارند و تعداد اطاقهای مسکونی خانوار در مطالعه حاضر به چشم می خورد .

جدول II. موقعیت طبقاتی و امکانات زندگی خانوارهای نمونه سه روستا

موقعیت طبقاتی رئیس خانوار			امکانات زندگی خانوار
خوش نشین	دهقان	تلمبه کار	
۲۶،۰۳۰	۴۹،۸۸۰	۱۱۲،۸۴۵	متوسط درآمد خالص سالیانه (به ریال)
۲۸/۳	۲۵/۷	۴۱	درصد باسوادان از ده سال به بالا
۳۶	۵۴	۶۶/۶	درصد خانوارهایی رادیو دارند
۱/۸	۲/۲	۳/۷	متوسط تعداد اطاقهای مسکونی خانوار

بطوریکه جدول II نشان می‌دهد، خانوارهای تلمبه‌کار از لحاظ وضع اقتصادی و اجتماعی در سطح بالا و بعد از آن خانوارهای دهقان و، بالاخره، خانوارهای خوش‌نشین در سطح پایین جامعه سه ده مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای مثال، درآمد سالانه خانوارهای تلمبه‌کار بیش از دوبرابر درآمد خانوارهای دهقان و درآمد دهقانان تقریباً کمی کمتر از دو برابر درآمد خانوارهای خوش‌نشین است. تنها در مورد سواد خانوارهای خوش‌نشین نسبت به دهقانان وضع بهتری دارند، بدین معنی که میزان باسوادان ده سال به بالای این طبقه  $\frac{3}{28}$  درصد است، در صورتیکه رقم مشابه برای افراد طبقه دهقان  $\frac{7}{25}$  درصد است.

بطوریکه ملاحظه می‌شود، از لحاظ تعداد اطاقهای مسکونی و تعداد رادیو نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین خانوارهای سه طبقه وجود دارد.

### موقعیت طبقاتی و مشخصات جمعیتی خانوار

در این تحقیق برای شناخت رابطه قشر اجتماعی خانوار با خصوصیات جمعیتی آن تنها دو متغیر، یکی «بعد خانوار» و دیگری «نسبت باروری» (fertility ratio)، مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر این، خانوارهای نمونه به دو نوع «خانوار گسترده» و «خانوار هسته‌ای» تقسیم شده‌اند. خانوار هسته‌ای در مطالعه فعلی خانواری است که تنها از زن و شوهر و فرزندان آنها تشکیل می‌شود و خانوار گسترده خانواری است که علاوه بر زن و شوهر و فرزندان آنها افراد دیگری از خویشاوندان با خانوار در یک خانه زندگی می‌کنند.

مطالعه در زمینه باروری خانوارهای روستایی با توجه به موقعیت طبقه اجتماعی آنها با اشکالات فراوانی روبروست، زیرا اطلاعات و آمار دقیق به مقدار کافی در دست نیست. با این وصف، می‌توان نسبت باروری را براساس سرشماری ۱۳۳۵ برای شهرنشینان و روستاییان جداگانه حساب کرد. «نسبت باروری» در این مطالعه عبارتست از تعداد اطفال کمتر از ۵ سال هر ۱۰۰۰ زن از ۱۵ تا ۴۹ سال. طبق این تعریف و براساس ارقام سرشماری ۱۳۳۵، نسبت باروری بطور کلی برای جمعیت روستایی ۹۱۰ و برای جمعیت شهری ۶۷۵ است. اما نسبت باروری در مطالعه فعلی میان خانوارهای نمونه روستایی، برحسب طبقه اجتماعی خانوار، بین ۹۱ تا ۱۱۰۰ متغیر است.

جدول III. باروری و متوسط تعداد نفرات خانوار برحسب

طبقه اجتماعی رئیس خانوار درسه روستا

موقعیت طبقاتی رئیس خانوار			نسبت باروری و متوسط نفرات خانوار
خوش نشین	دهقان	تلمبه کار	
۱۱۰۰	۱۰۰۰	۹۱۰	نسبت باروری
۵/۳	۵/۸	۷/۷	متوسط نفرات خانوار
۲۹	۲۶	۹	تعداد کل خانوارهای نمونه = ۷۴۰

جدول بالا مبین آنست که در خانوارهای نمونه همبستگی معکوسی میان طبقه اجتماعی و باروری وجود دارد. عبارت دیگر، هرچه وضع اقتصادی و اجتماعی خانوار بهتر باشد نسبت باروری پایینتر است. چنانکه ملاحظه می شود، نسبت باروری طبقه بالای ده، یعنی خانوارهای تلمبه کار، ۹۱۰ و خانوارهای خوش نشین ۱۰۰۰ است. رابطه مزبور با نتیجه تحقیقاتی که در جوامع پیشرفته به دست آمده، یعنی همبستگی معکوس منزلت اقتصادی خانوار با میزان باروری، مطابقت دارد. اما باید خاطر نشان کرد که تفاوت میزان باروری در قشرهای مختلف روستایی کشورهای در حال توسعه هنوز به دقت مطالعه نشده و ممکن است مواردی یافت شود که با اصل فوق مطابقت نداشته باشد. برای مثال، لمسون در مطالعات خود در روستاهای چین به این نتیجه رسید که تفاوت نسبت باروری در گروههای مختلف اقتصادی جامعه روستایی چین نسبتاً بی اهمیت است و آنجا که تفاوتهایی وجود دارد حاکی از بستگی مستقیم وضع اقتصادی و میزان باروری خانوار است.

جدول III نیز نشان می دهد که متوسط تعداد نفرات خانوار در طبقات مختلف سه ده مورد مطالعه به مقدار قابل ملاحظه ای تغییر می کند، به این معنی که متوسط تعداد نفرات خانوار در طبقه خوش نشین ۵/۳ است، در صورتیکه همین رقم برای خانوارهای تلمبه کار ۷/۷ میباشد. ارقام مزبور حاکی از آنست که همبستگی مستقیمی بین متوسط نفرات خانوارهای روستایی و موقعیت طبقاتی رئیس خانوار وجود دارد. اما، از طرفی، قبلاً مشاهده شد که بین موقعیت طبقاتی خانوار و نسبت باروری رابطه معکوس وجود دارد. عبارت دیگر، مسئله ای که به چشم می خورد اینست که متوسط نفرات خانوارهای تلمبه کار، که کمترین نسبت باروری را دارند، از متوسط نفرات خانوارهای دوقشر دیگر بیشتر است. این مسئله را می توان چنین توجیه کرد

۱. Notestein, Frank, «Class Differences in Fertility», in Bendix and Lipset, *Class, Status and Power*, 1963.

که میزان مرگ و میر و شکل خانوار در طبقات مختلف روستایی متفاوت است. با اینکه آماری از مرگ و میر در این تحقیق جمع آوری نشد، اما با توجه به اینکه معمولاً میزان مرگ و میر در طبقات اجتماعی بالا کمتر است، می توان گفت که علت بالا بودن تعداد نفرت خانوار در طبقه تلمبه کار پایین بودن میزان مرگ و میر و همچنین زندگی کردن خویشاوندان نزدیک با باخانوار است. بطوریکه جدول IV نشان می دهد، ۳۳/۳ درصد خانوارهای تلمبه کار از نوع خانواده گسترده هستند در صورتیکه تنها ۱ درصد خانوارهای قشر خوش نشین از این نوعند.

جدول IV. درصد نوع خانوار بر حسب طبقه اجتماعی در سه روستا

نوع خانوار	موقعیت طبقاتی رئیس خانوار		
	تلمبه کار	دهقان	خوش نشین
خانواده گسترده	۳۳/۳	۱۱/۵	۱۰
خانواده زن و شوهری	۶۶/۷	۸۸/۵	۹۰
جمع	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد

دلیل اینکه نسبت خانواده های گسترده در طبقه تلمبه کار بیش از دو طبقه دیگر است شاید این باشد که چون وسعت اراضی خانوارهای این طبقه نسبتاً زیاد است برای کشت و زرع مزارع خود علاوه بر نیروی کار خانواده خویش به افراد دیگری نیاز دارند.

### تفاوت های طبقاتی و تحرک اجتماعی

یکی از مشخصات عمومی، ساختمان اجتماعی روستاها، که در جامعه شناسی روستایی گفته می شود، این است که ساختمان طبقاتی این جوامع نسبتاً متحجری است و تحرک اجتماعی در آنها به ندرت صورت می پذیرد. اما تحقیق حاضر نشان می دهد که در روستاهای مورد مطالعه چنین نیست و میزان تحرک اجتماعی بین دو نسل یعنی در صد سران خانوارهایی که موقعیت طبقاتی خود را در مقایسه با موقعیت طبقاتی پدران خود تغییر داده اند، برای کلیه خانوارها نسبتاً بالا است. اما، بطوریکه جدول شماره V نشان می دهد، میزان تحرک اجتماعی در قشرهای سه گانه متفاوت است. تحرک اجتماعی سران خانوارهای تلمبه کار و خوش نشین در طول دو نسل قابل ملاحظه بوده، ولی تحرک اجتماعی خانوارهای دهقان کمتر است. ۶۱/۵ درصد دهقانان مورد مطالعه در طبقه پدران خویش، که آنها نیز دهقان بوده اند، کم و بیش باقی مانده اند، در صورتیکه تنها



۲۲ درصد سران خانوارهای تلمبه کار و ۱۰ درصد سران خانوارهای خوش نشین در طبقه پدران خود مانده اند و بقیه پایگاه طبقاتی خود را تغییر داده اند .

جدول ۷. درصد میزان تحرک اجتماعی سران خانوارهای نمونه

موقعیت طبقاتی رئیس خانوار			موقعیت طبقاتی پدر رئیس خانوار
خوش نشین	دهقان	تلمبه کار	
—	—	۲۲/۲	تلمبه کار
۵۸/۹	۶۱/۵	۶۶/۷	دهقان
۱۰/۲	—	—	خوش نشین
۱۸/—	۲۷/۰	—	عشایری
۱۲/۹	۱۱/۵	۱۱/۱	نوع دیگر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع (درصد)

بطوریکه جدول بالا نشان می دهد ، سران خانوارهای تلمبه کار بیش از سران خانوارهای دوطبقه دیگر ارتقاء طبقاتی داشته اند، بدین معنی که ۶۶/۷ درصد آنها از خانوارهای رعیت یا مستأجر بوده اند . در مقابل سران خانوارهای خوش نشین بیش از سران خانوار دوطبقه دیگر تحرک اجتماعی نزولی داشته اند ، بطوریکه ۹۰ درصد آنها از خانوارهای رعیت یا مستأجر بوده اند که به مرور زمان نسق رعیتی یا زمین اجاره ای خود را از دست داده و به قشر کارگران کشاورز پیوسته اند . بالا بودن میزان تحرک نزولی در میان خانوارهای خوش نشین ممکن است بر اثر دو عامل عمده باشد : یکی اینکه ، میزان افزایش جمعیت دهات مورد مطالعه بیش از میزان افزایش سطح اراضی زیر کشت آنها بوده است و ، عامل دیگر شاید توسعه زراعت مکانیزه باشد ، که سبب شده است که بسیاری از کشاورزان نسق رعیتی خود را از دست بدهند و به صورت کارگران روزمزد درآیند .

### خلاصه و نتیجه

با اینکه قلمرو این تحقیق محدود بوده و تنها سه روستا در آن مطالعه شده است ، با اینهمه ، ارقام و نتایج حاصل نشان می دهد که روستاهای کشاورز ساختمان طبقاتی مشخصی دارند و تفاوتی

قابل ملاحظه‌ای از لحاظ سطح زندگی، خصوصیات جمعیتی، و تحرک اجتماعی بیان طبقات اجتماعی مختلف وجود دارد.

از اینرو، نتایج این قبیل تحقیقات در برنامه ریزی عمران روستایی باید مورد توجه قرار گیرد و تفاوت‌های خانوارهای روستایی از لحاظ درآمد، سطح زندگی، میزان سود، امکانات دیگر در برنامه‌های عمرانی مانند اصلاحات ارضی، برنامه تنظیم و بهداشت خانواده و عمران دهات ملحوظ شود. مثلاً، اگر قرار باشد که برنامه تنظیم و بهداشت خانواده در روستاهای کشور اجراء شود باید خانوارهای خوش‌نشین، که قشر پایین روستایی را تشکیل می‌دهند و میزان سواد در میان آنها از خانوارهای سایر طبقات دیگر بیشتر است، مقدم باشند. همچنین باید در نظر گرفتن اینکه وسعت اراضی خانوارهای دهقان محدود و میزان باروری آنها نسبتاً زیاد است، باید خانوارهای این طبقه نیز مورد توجه قرار گیرند تا سطح زندگی آنان پایینتر نرود.

تفاوت‌های طبقاتی که از لحاظ خصوصیات جمعیتی، امکانات زندگی، و میزان تحرک اجتماعی در این گزارش مقدساتی مورد بررسی قرار گرفته به خوبی معلوم می‌کند که پیشرفت برنامه‌های اصلاحی و عمرانی روستاهای کشور مستلزم انجام تحقیقات علمی در زمینه مشخصات اجتماعی، اقتصادی، و جمعیتی قشرهای روستایی و روابط آنها بایکدیگر است.

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

منتشر کرده است

## کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول

(دوجلد)

تألیف پ. پطروشفسکی

ترجمه کریم کشاورز